

بحران‌های پاندمیک (بیماری‌های همه‌گیر) و سیاست: فرصت‌ها و تهدیدهای پساکروناپی در ایران

ابراهیم عباسی^۱

استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۸/۶)

چکیده

مسئله محوری این مقاله بررسی رابطه پاندمی‌ها و سیاست با تأکید بر پاندمی کروناویروس و تبدیل آن به بحران و سپس رویداد در ایران و پیامدهای سیاسی و امنیتی آن است. در پاسخ به پرسش آثار سیاسی و امنیتی پاندمی‌ها در ایران با تأکید بر بحران کرونا چیست؟ این فرضیه مطرح می‌شود که پاندمی‌های تاریخ ایران، با ایجاد بحران‌هایی در سیاست، برخی به رویداد تبدیل شده و ضمن ایجاد آنتروپی محیطی به تغییراتی در ایران منجر شده‌اند. هرچند هیچ‌کدام هنوز برهه‌ای سرنوشت‌ساز را رقم نزده‌اند، اما در صورت بی‌توجهی، ممکن است تهدیدهای فاجعه‌گونه‌ای را برای یک کشور رقم بزنند. کرونا نیز به سبب شرایط خاص ایران و تقارن نامیمون آن با فشارهای جهانی و بحران ناکارآمدی و چالش‌های هویتی و گذار قدرت، فرصتی برای اصلاح و گذر نهادی، همبستگی ملی و پذیرش مشارکت مردمی و بهسازی‌های فقهی است، اما اگر اهمیت مسئله درک نشود، موقعیتی مغفک‌گونه (ترومای تمدنی) در انتظار ایران است. روش پژوهش، کیفی و از نوع مطالعات اسنادی با رویکرد تبیینی برای فهم دگرگونی‌های تاریخی-سیاسی است.

واژگان کلیدی

ایران، بحران، برهه‌های سرنوشت‌ساز، پاندمی کروناویروس، رویداد.

۱. مقدمه

امراض و بلاای طبیعی به عمر جهان امروز، قدمت دارند. آنها سیاست، دیانت، فناوری و اقتصاد را متأثر می‌سازند و به مبارزه فرا می‌خوانند. از آنجا که سیاست مقدم بر هر چیزی است، بیشترین تأثیرپذیری را دارد و در صف اول مواجهه با این بحران‌هاست. ویلیام مکنیل در کتاب *ویاها و مردم* بیان می‌کند تاریخ سیاسی هر مملکت، پیروزی و شکست‌هایش با سطح زندگی و تندرستی مردم آن مملکت تناسب مستقیم دارد و مورخان از درک این رابطه غافل مانده‌اند (رجوع شود به MacNeil, 1976). برخی از این بیماری‌های واگیردار که با عنوان پاندمی یا اپیدمی^۱ معرفی می‌شوند، جهانی‌اند و قدرت نهادهای سیاسی و کفایت سیاست‌مداران را محک می‌زنند. در سیاست این بلایا را تصادف‌ها یا جرقه‌هایی می‌دانند که به‌عنوان کاتالیزور بحران‌ها عمل می‌کنند و حتی ممکن است بزرگ‌ترین تحولات سیاسی را که انقلاب‌ها هستند، خلق یا بحران‌های امنیتی جدی ایجاد کنند. به‌طور معمول زمانی که یک دولت با بحران‌های سیاسی مانند مشارکت، مشروعیت، عدم انسجام نخبگان و قطبی شدن جامعه مواجه است، بدترین زمان وقوع این بحران‌هاست که به رویداد تبدیل می‌شوند. آنها ضمن ایجاد تهدیدهای جدی برای سیستم سیاسی، فرصت‌هایی را نیز ایجاد می‌کنند که استفاده از همبستگی ملی ایجادشده در برابر آن پیروزی بزرگی است. از زاویه دیگر این بحران‌ها به نقاط عطف یا برهه‌های سرنوشت‌ساز نیز معروف‌اند و تغییرهای پارادایمی را سبب می‌شوند. مرگ سیاه یا طاعون سیاه در اروپا نمونه‌ای از برهه سرنوشت‌ساز بود. ویروس کرونا نیز در سده بیست‌ویکم می‌تواند چنین نقشی در سطح جهانی ایفا کند.

ویروس کرونا در دسامبر ۲۰۱۹ در بازار ماهی‌فروشان چین شیوع یافت و به‌سرعت شهر ووهان چین را درگیر کرد و دو ماه بعد به تدریج به سایر مناطق و کشورها سرایت کرد. سرعت شیوع آن طوری بود که مسری‌ترین بیماری در بین خانواده کروناویروس شهرت یافت. سازمان جهانی بهداشت آن را در ۱۱ مارس ۲۰۲۰ به‌عنوان پاندمی اعلام کرد (World Health Organization, 2020). کرونا ویروس در بهمن‌ماه ۱۳۹۸ طبق اعلام رسمی به ایران وارد شد. پاندمی و طولانی شدن آن بحث زیادی را بین محققان سیاسی برانگیخته است، به‌نحوی که برخی از ایران قبل و ایران بعد از بحران کرونا صحبت می‌کنند؛ بدین‌معنا که این بحران را نقطه عطفی در ایران برای تغییرهای نهادی می‌دانند. در دویست سال اخیر بیش از دوازده اپیدمی بیماری‌های عفونی در ایران به‌وقوع پیوسته است، اما کمتر بیماری مانند کووید-۱۹ در

۱. سازمان جهانی بهداشت حالت پاندمیک را شیوع بیماری جدیدی در تمام جهان تعریف می‌کند که افراد زیادی را درگیر کند. به شیوع منطقه‌ای یک بیماری، اپیدمی می‌گویند که ناظر بر محدودیت جغرافیایی یک بیماری است (World Health Organization, 2020).

سطح جهانی و حتی ایران این همه پیامدهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به‌جا گذاشته است تا حدی که سبب تغییر سبک زندگی شده است.

مقاله حاضر با هدف بررسی تأثیر بحران کرونا بر نظم حکمرانی در ایران به این پرسش اصلی می‌پردازد که با بررسی اپیدمی‌های تاریخ ایران، پاندمی کرونا چه فرصت‌ها و تهدیدهایی در حوزه سیاست در ایران دارد؟ فرضیه این پژوهش آن است که اپیدمی‌های تاریخ ایران، با ایجاد بحران‌هایی در سیاست، برخی به رویداد تبدیل شده و ضمن ایجاد آنتروپی محیطی به تغییرهایی در ایران منجر شده‌اند. هرچند هیچ‌کدام هنوز برهه‌ای سرنوشت‌ساز را رقم نزده‌اند، اما فرصتی برای گذر نهادی و تصمیم‌های سرنوشت‌ساز بوده و در صورت بی‌توجهی، تهدیدهای جدی و فاجعه‌گونه‌ای را برای یک کشور رقم می‌زنند. کرونا نیز به سبب شرایط خاص ایران و تقارن نامیمون آن با فشارهای جهانی و بحران ناکارآمدی و چالش‌های هویتی و گذار قدرت در ایران فرصتی برای اصلاح و گذر نهادی، همبستگی ملی و پذیرش مشارکت مردمی و بهسازی‌های فقهی است، اما اگر اهمیت مسئله دریافت نشود، موقعیتی مغاک‌گونه (ترومای تمدنی) در انتظار ایران است.

روش پژوهش، کیفی و از نوع مطالعات اسنادی با رویکرد تبیینی برای فهم دگرگونی‌های تاریخی-سیاسی است. هدف طرح یک مسئله معاصر و تبیین آن با رویکرد تاریخی است.^۱ محقق یک مسئله معاصر را طرح می‌کند و با مراجعه به مشابه‌های آن در گذشته به تبیین بهتری از مسئله دست می‌یابد. اسناد و شواهد تاریخی پشتوانه این روش هستند. پژوهشگر قادر است با نشان دادن شباهت‌ها و اختلاف‌های موجود در میان رویدادهای تاریخی، برخی ادعاهای علی را مطرح سازد و با تجمیع شواهد بیشتر، تبیین علی خود را تقویت کند (سیدامامی، ۱۳۸۶: ۴۱۸). روش گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای و بررسی منابع تاریخی است. داده‌های حاصل از درون اسناد بهداشتی، متون تاریخی، منابع اصیل براساس تکنیک‌های تحلیل کیفی جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند.

۱. مورخان در کنار توصیف و روایت، اغلب به خلق و ارائه تبیین‌هایی می‌پردازند که پاره‌ای از آنها تبیین‌های علی به‌شمار می‌روند؛ یعنی تلاش برای پاسخگویی به پرسش‌های مربوط به چرایی، چگونگی و چیستی. حداقل به سه نوع تبیین از تاریخ برمی‌خوریم: تبیین قانونمند، تبیین عقلانی و تبیین روایی. تبیین قانونمند یا تبیین‌های مبتنی بر قانون از طریق نمایاندن واقعه مورد تبیین به‌عنوان جزئی از یک جریان کلی تعمیم‌بخشی شکل می‌گیرند، مانند کاهش مشروعیت حکومت‌ها در اثر افزایش میزان مالیات‌ها، تبیین‌های عقلانی بر تبیین کنش‌ها و اعمال کارگزاران تاریخی با توجه به خواسته‌ها، اعتقادات، نیات و علل و دلایل آن می‌پردازند. روایت‌های سیاسی انباشته از این نوع تبیین‌ها هستند، مانند انصراف ناپلئون و هیتلر از حمله به بریتانیا. نوع سوم تبیین که بیشتر مختص تاریخ است، براساس آن یک واقعه که با نقل و روایت کردن وقایع پیش از آن توضیح داده شده و تبیین می‌شود، برداشت روایی از تبیین تاریخ است. روایت‌های تبیینی باید در سطح جزئیات مناسب، گزینشی باشند و به‌خوبی می‌توانند شامل تبیین‌های قانونمند و عقلانی نیز باشند (نوذری، ۱۳۹۲: ۴۴-۳۶).

سابقه پژوهشی موضوع نشان می‌دهد در ادبیات لاتین تأثیر پاندمی کرونا بر نظم سیاسی به تدریج مورد توجه قرار گرفته است. نخستین بار فرانسیس فوکویاما نظریه پرداز سیاسی معاصر در جولای ۲۰۲۰ طی یادداشتی در فصلنامه فارن افرز با عنوان «پاندمیک و نظم سیاسی» این بحث را مطرح کرد و مدعی است که مانند دیگر بحران‌های جهانی از جمله مانند رکود بزرگ، جنگ جهانی دوم، حملات ۱۱ سپتامبر و بحران مالی ۲۰۰۸ پیامدهای عمده‌ای خواهد داشت. او پیامدهای سیاسی آن را مهم‌تر از پیامدهای اقتصادی می‌داند و معتقد است پاندمی کرونا ملی‌گرایی، انزواگرایی، بیگانه‌ستیزی و حمله به نظم جهانی لیبرال را که طی سال‌ها افزایش یافته است، تشدید خواهد کرد؛ ظهور ملی‌گرایی امکان تضاد بین‌المللی را افزایش خواهد داد؛ رهبران سیاسی ممکن است این را بر ضد مخالفان استفاده کنند، هرچند چالش‌های بین‌المللی کمتر از چالش‌های داخلی خواهد بود.

در همین زمان کوتاه، پایان‌نامه‌ای در دانشگاه آبسالای سوئد توسط سوفیا گلکسر نوشته شده که تأثیر پاندمی کرونا را به‌عنوان رویدادی مورد توجه برای اقدام‌های ناکافی دولت‌ها در کاهش تغییرهای آب‌وهوایی بررسی کرده است. وی از نظریه «رویداد مورد توجه» استفاده می‌کند تا نشان دهد چطور پاندمی کرونا می‌تواند توجه دولت‌ها و ضعف آنها را در مورد بی‌توجهی به تغییرهای اقلیمی نشان دهد. به‌طور نمونه، جنگل‌زدایی خطر افزایش بیماری‌هایی را که از حیوان به انسان منتقل می‌شود، بیشتر می‌کند. در حوزه بین‌المللی به تدریج مجله‌های معتبر علوم سیاسی در حال جمع‌آوری مقاله‌ها و انتشار فراخوان برای بررسی پیامدهای سیاسی این پدیده جهانی‌اند.

در داخل کشور مجموعه یادداشت‌هایی با عنوان «جستارهایی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی بحران و ویروس کرونا در ایران» توسط پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم در فروردین ۱۳۹۹، یادداشت‌هایی دیگری با عنوان «مجموعه مقالات علوم انسانی و کرونا» از پژوهشگاه علوم انسانی و «مجموعه یادداشت‌های ابعاد حقوقی، سیاسی و امنیتی بحران کرونا در جهان و ایران» توسط دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز و سخنرانی‌هایی نیز توسط استادان مختلف حوزه علم‌سنجی، الهیات و ... ایراد شده است. این یادداشت‌ها، بیشتر کوتاه و در حد توجه به کرونا به‌عنوان یک بحران است و بیشتر جنبه اجتماعی، دینی و حقوقی آن مورد توجه قرار گرفته است. پژوهشکده اندیشه مهاجر دانشگاه صنعتی شریف در مجموعه‌ای با عنوان «جمهوری اسلامی ایران و مسئله کرونا» با ارائه چهار مقاله در حوزه دینداری، رسانه، حکمرانی و فضای مجازی که در اردیبهشت ۱۳۹۹ منتشر شد، تا حدودی به مسئله قدرت و حکمرانی نزدیک شده است. این روند نشان از توجه به‌روز جامعه علمی به موضوع‌های مبتلا به جامعه و جای تقدیر و تشکر دارد و امید به تبدیل آنها به

مقاله‌های معتبر است. از آنجا که هنوز به‌طور جدی ابعاد سیاسی این موضوع مورد مذاقه قرار نگرفته، این مقاله در پی بررسی ابعاد سیاسی و امنیتی این بحران در بستر تاریخی جامعه ایرانی است. ابعاد سیاسی و اجتماعی سایر اپیدمی‌های ایران توسط هما ناطق، محمد توکلی طرقي، میثاق پارسا، ویلیام فلور، داریوش رحمانیان و دیگران بررسی شده است، اما تأثیر مستقیم آنها بر نظم حکمرانی در ایران و تبدیل آنها به نقطه عطف جنبه نو مقاله پیش‌روست. (Floor, 2000; Burrell, 1988; Afkhami, 1988; Kashani-Sabet, 2004) در این نوشتار، تلاش شده است با بررسی آنها در بستری تاریخی به نتایج بحران کرونا بر نظم حکمرانی در ایران برسد. بدین‌وصف، در بخش نخست در چارچوبی مفهومی به رابطه پاندمی‌ها و سیاست و تغییرات مثبت یا منفی ناشی از آنها و نمونه‌های تاریخی این پاندمی‌ها پرداخته می‌شود. سپس تأثیر اپیدمی‌ها در ایران بر صورت‌بندی اجتماعی و آثار آنها بر نظم حکمرانی در قالب فرصت‌ها و تهدیدها با تأکید بر بحران کرونا در ایران بررسی می‌شود.

۲. چارچوب مفهومی

بحران‌های بزرگ، پیامدهای بزرگ و معمولاً پیش‌بینی‌ناپذیر دارند. رکود بزرگ (۱۹۲۹) موجب رشد انزوای، ملی‌گرایی، فاشیسم و جنگ جهانی دوم و اجرای برنامه جدید، ظهور ایالات متحده به‌عنوان ابرقدرت جهانی و اتفاقاً استعماردایی شد. حمله‌های ۱۱ سپتامبر موجب دو مداخله ناموفق ایالات متحده، ظهور ایران و شکل‌های جدیدی از رادیکالیسم اسلامی شد. بحران مالی ۲۰۰۸ موجی از پوپولیسم مخالف وضع موجود ایجاد کرد که رهبران زیادی در کره زمین تغییر داد. مورخان آینده به نسبت، تأثیرات عمده پاندمی کرونا و ویروس را ردیابی خواهند کرد (Fukuyama, 2020: 1). برخی پاندمی‌ها در تاریخ، بحران‌هایی بوده که به رویداد^۱ تبدیل شده‌اند. برای بررسی تأثیر آنها بر سیاست می‌توان از طاعون سیاه یا مرگ سیاه در اروپا در سده چهاردهم میلادی به‌مثابه رویداد و برهه‌ای سرنوشت‌ساز^۱

۱. کرونا و ویروس یک بحران (Crisis) یعنی اختلال در ساختارهای حاکم بین انسان و طبیعت در نظام حکمرانی است که در بلندمدت شرایط را برای رویداد (Events) فراهم می‌کند. وقتی ساختارها مختل می‌شوند، رویدادها اتفاق می‌افتند. فرناند برودل در مکتب آنال از مفاهیم زمان سه‌گانه برای پیوند رویداد و ساختار بهره می‌جوید. در این زمینه عاملیت انسان‌ها و کنش آنها کم‌رنگ است (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: برک، ۱۳۹۵؛ Harding, 2005).

۲. یک برهه زمانی سرنوشت‌ساز (Critical Junctures) شمشیری دو لبه است که می‌تواند سبب چرخشی سریع در خط سیر یک ملت شود. از یک سو می‌تواند راه را به سوی شکستن نهادهای استثماری بگشاید و مانند انگلستان به نهادهای فراگیر فرصت ظهور دهد، یا قادر است به مانند موج دوم طاعون در اروپای شرقی به تکوین نهادهای استثماری شدت بخشد (عجم اوغلو و رایبسون، ۱۳۹۴: ۱۴۷).

یاد کرد.^۱ مسیرهای متفاوتی که جوامع انگلستان، فرانسه و اسپانیا در سده هفدهم پیمودند، اهمیت برهم‌کنش تفاوت‌های نهادی کوچک را در برهه‌های سرنوشت‌ساز روشن می‌کند. در این برهه‌ها، یک واقعه عمده تاریخی با به هم پیوستن چندین عامل، توازن موجود در قدرت سیاسی و اقتصادی یک کشور را مختل می‌کند. این وقایع می‌توانند تنها یک کشور را تحت تأثیر قرار دهند، به‌صورتی که مرگ مائو در سال ۱۹۷۶ برهه سرنوشت‌سازی را در درجه اول برای چین کمونیست به‌وجود آورد. با این حال مقاطع زمانی حساس، معمولاً مجموعه بزرگی از جوامع را متأثر می‌کنند؛ فرایندی که در خلال آن مثلاً استعمار و سپس استعمارزدایی بیشتر جهان را تحت تأثیر خود قرار داد (عجم اوغلو و رابینسون، ۱۳۹۴: ۱۵۳).

مرگ سیاه نمونه‌ای از یک رویداد یا برهه سرنوشت‌ساز است. طاعون به لحاظ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آثار دگرگون‌کننده بر جوامع اروپایی قرون وسطی گذاشت. کاهش شدید تعداد نیروی کار، بنیان‌های نظم فئودالی را به لرزه درآورد. این امر کشاورزان خرده‌پا را تشویق کرد تا خواستار تغییر شرایط خود شوند. کشاورزان خرده‌پا شروع به آزاد کردن خود از خدمات کار اجباری و بسیاری تعهدها نسبت به اربابانشان کردند. تلاش دولت انگلستان برای متوقف کردن تغییرهای نهادی و دستمزدی ناشی از مرگ سیاه کارگر نیفتاد. رسم فئودالی بیگاری کشیدن از روستاییان کم‌کم منسوخ شد، بازارهای فراگیر در انگلستان شروع به پیدایش کرد و دستمزدها افزایش یافت (عجم اوغلو و رابینسون، ۱۳۹۴: ۱۴۴-۱۴۳). مرگ سیاه و گسترش تجارت در سال‌های بعد از ۱۶۰۰م هر دو نقاط عطف عمده‌ای برای قدرت‌های اروپایی بودند و در تعامل با نهادهای اولیه متفاوت به واگرایی شدید دامن زدند. از آنجا که در سال ۱۳۴۶ روستاییان در غرب اروپا قدرت و خودمختاری بیشتری نسبت به شرق اروپا داشتند، در آنجا طاعون به زوال فئودالیسم انجامید و در شرق، به ظهور موج دوم نظام ارباب رعیتی منجر شد (عجم اوغلو و رابینسون، ۱۳۹۴: ۱۵۶).

بیرکلند (۱۹۹۸) «رویدادهای مورد توجه» را رویدادهای اتفاقی و نسبتاً نادر می‌داند که توجه عموم و سیاست‌گذاران را به‌طور هم‌زمان جلب می‌کند. افزون بر این، این رویدادها به‌طور منطقی به‌عنوان آسیب‌ها تعریف می‌شوند یا امکان آسیب‌های بالقوه بزرگ‌تر آینده را آشکار می‌

۱. در سال ۱۳۴۶م طاعون خیارکی یا مرگ سیاه به شهر بندری تانا در دهانه رود دن در دریای سیاه رسید. طاعون از طریق کک‌هایی که روی بدن موش صحرائی زندگی می‌کردند، انتقال یافت و همراه با بازرگانانی که در طول راه ابریشم - شاهراه بزرگ و سراسری تجارت در آسیا - سفر می‌کردند، از چین وارد شد. آنگاه طاعون به‌واسطه تجار ژنو از تانا به سرتاسر منطقه مدیترانه سرایت کرد. ... به هر ناحیه‌ای که وارد می‌شد، نیمی از جمعیت را از بین می‌برد (عجم اوغلو و رابینسون، ۱۳۹۴: ۱۴۲-۱۴۱).

کنند (Birkland, 1998: 54). رویدادهای مورد توجه^۱ بخشی از نظریه برجسته‌سازی^۲ است و می‌تواند تبیین کند که چطور مسئله‌ها مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گیرد. این رویدادها، شرایط خاصی را ایجاد می‌کنند که در نتیجه می‌توانند به‌عنوان مسائل معرفی و مؤثر واقع شوند (Kington, 1995: 197). این تحلیل نشان می‌دهد تا زمانی که پاندمی کرونا به‌عنوان بحران یا فاجعه و تجارب شخصی سیاست‌گذاران تلقی شود، می‌تواند توجه‌ها را به عمل ناکافی دولتی در کاهش تغییر آب‌وهوایی جلب کند. این پاندمی حتی می‌تواند نمونه‌ای برای اقدام‌های ناکافی دولت در حوزه آب‌وهوایی باشد (Glaser, 2020: 1).

نباید چنین استنباط کرد که هر برهه تاریخی حساس به یک انقلاب سیاسی موفق، یا به تغییری در راستای بهبود بینجامد. تاریخ مملو از انقلاب‌ها و جنبش‌های براندازنده‌ای است که یک استبداد را جایگزین استبداد دیگر کرده‌اند؛ پایان دوران استعمار در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم نقاط عطفی برای مستعمرات پیشین پدید آورد. با این حال غالب موارد دولت‌های پس از استقلال در کشورهای جنوب صحرای آفریقا و بخش‌های وسیعی از آسیا هر کدام سوءاستفاده اسلاف خویش را تکرار کردند (عجم اوغلو و رایبسون، ۱۳۹۴: ۱۵۸). شکست امروز ملت‌ها، به‌طور عمیق تحت تأثیر تاریخ نهادی آنها قرار دارد. کشورها همچنان می‌توانند نقاط عطف تاریخی را غنیمت بشمرند و در راستای اصلاح نهادهایشان با آغاز مسیری به‌سوی بهروزی اقتصادی، بیشتر قالب‌های موجود را بشکنند (عجم اوغلو و رایبسون، ۱۳۹۴: ۱۷۲).

جیرد دیاموند زیست‌شناس تکاملی آمریکایی در کتاب "تفنگ، میکروب، فولاد: سرنوشت جوامع انسانی" نشان می‌دهد که چگونه بیماری‌هایی چون آبله، سرخک، آنفلوآنزا، تیفوس، طاعون، خیارکی و ... که اپیدمی‌های شایع در جوامع اروپایی بودند، از طریق ورود اولین مهاجران اروپایی وارد حوزه تمدنی سرخ‌پوست‌های آمریکایی شد که هیچ‌گونه ایمنی بیولوژیک در برابر این بیماری‌ها نداشتند. این بیماری‌ها سریع‌تر و جلوتر از مهاجران اروپایی در سطح حوزه تمدنی سرخ‌پوستان گسترش یافتند و سبب مرگ‌ومیر و از بین رفتن نود درصد جمعیت تمدنی سرخ‌پوستان در تمدن‌هایی چون اینکاها و آزتک‌ها و می‌سی‌سی‌پی شدند (دیاموند، ۱۳۹۴: فصل سوم و هجدهم).

این سه نمونه برخورد با پاندمی‌ها در سیاست را می‌توان سه واکنش تمدنی به آنها به‌عنوان یک تروما^۳ نیز باز مفهوم‌پردازی کرد. اگر تروما را مفهومی مغاک تیره وجودی یا وضعیت

1. Focusing Events

2. Agenda-Setting

۳. تروما (Trauma) اصطلاحی است برای اشاره به انواع پیامدهای روانی جمعی‌ای که در نتیجه فجایع طبیعی و غیرطبیعی مانند زلزله، جنگ، نسل‌کشی، انفجار اتمی، تروریسم و ... به‌کار می‌رود (Hernandez, 2005). تروما سبب گسست‌های

دیگر بودگی مطلق ناشناخته و غیرقابل مفصل‌بندی در برابر حوزه‌های تمدنی تعریف کنیم، حوزه‌های تمدنی سه‌گانه، اروپای غربی، اروپای شرقی و تمدن‌های سرخ‌پوستی در برابر وضعیت دیگربودگی مطلق ناشناخته، سه واکنش و پاسخ متفاوت از خود نشان دادند: حوزه تمدنی اروپای غربی در برابر برخورد با پاندمی طاعون سیاه دست به بازاندیشی و تجدیدنظر در ساختارهای بنیادین حاکم بر صورت‌بندی اجتماعی موجود در تاریخ پایه‌ای خود زد و ماهیت تاریخ پایه‌ای خود را از فتودالیسم کشاورزی به سرمایه‌داری تجاری تغییر داد. در مقابل حوزه تمدنی اروپای شرقی قرار دارد که در مواجهه با پاندمی طاعون سیاه به‌عنوان یک تروما یا وضعیت دیگر بودگی مطلق ناشناخته نه‌تنها در برابر مفردات تمدنی تاریخ پایه‌ای خود دست به بازاندیشی و تجدیدنظر نزد، بلکه برعکس حوزه تمدنی اروپای غربی، در این مواجهه در مسیر متفاوتی گام برداشت.

در مقابل واکنش تجدیدنظرطلبانه اروپای غربی و واکنش متصلب حوزه تمدنی اروپای شرقی در برخورد با ترومایی طاعون سیاه، با واکنش سومی از حوزه تمدنی سرخ‌پوستان در برخورد با اپیدمی‌های بیولوژیکی مواجهیم. آنها در برخورد با اپیدمی‌های بیولوژیکی که از سوی مهاجمان اروپایی وارد حوزه تمدنی‌شان شده بود، نتوانستند پاسخ و واکنش مناسب و به‌موقع با این اپیدمی به‌عنوان ترومای تمدنی خود داشته باشند و در مسیر فروپاشی و نیستی گام برداشتند. این سه واکنش متفاوت، پرسشی اساسی است که پاسخ آن را باید در ماهیت تاریخی مفردات تمدنی این سه حوزه تمدنی جست. منطق همزمانی نیز هم در این بحران‌ها مهم است. هر وبا و قحطی به بازخوانی رفتار دولت‌ها منجر نمی‌شود، بلکه مسئله بر سر همایندی است. همزمان شدن بیماری‌های عفونی با نظم نوین جهانی، فشارهای جهانی و ... است که سبب تبدیل این بحران به رویداد و نسبت آن با نظم حکمرانی می‌شود (حیدری و بهار، ۱۳۹۷: ۱۴۴)؛ از اینجاست که بدل به رویدادی مهم در فهم صورت‌بندی اجتماعی تاریخ یک جامعه می‌شود. بسته به عوامل نهادی در یک کشور، همایندی آن با وقایع دیگر، وقایع پیش‌بینی‌ناپذیر و غنیمت شمردن نقاط عطف تاریخی توسط یک کشور است که کدام واکنش نسبت به این برهه سرنوشت‌ساز داده شود.

در حال حاضر کرونا از بحران به رویداد تبدیل شده و از طریق فضای مجازی برجسته‌سازی شده است، زیرا نخستین بیماری عفونی است که در فضای مجازی به‌شدت اطلاع‌رسانی می‌شود. این بیماری ساختارهای جهانی را مختل کرده است. سیاست‌مداران زیادی را مبتلا کرده و برخی به‌عنوان یک موضوع شخصی نیز آن را تجربه کرده‌اند. بنابراین

بنیادین می‌شود. آشوب‌های محیطی و خلأیی در محیط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایجاد می‌شود و سیستم سیاسی را با پیچیدگی‌های جدیدی مواجه می‌سازد.

به دلیل گستره وسیع و اختلال‌های زیاد در حکمرانی به نظر می‌رسد به مسئله‌ای برای نخبگان سیاسی تبدیل شده است.

۳. پاندمی‌ها و صورت‌بندی اجتماعی ایران

تلاش رایج نظریه‌پردازان سیاسی در تحلیل مسائل ایران بر ایده‌های بزرگ، انقلاب‌ها و تاریخ اندیشه یا ساختارهای فراتاریخی و کلان‌روایت‌ها استوار است (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: ولی، ۱۳۸۰؛ Abbassi, 2020). در حالی که تغییرها در ایران تحت تأثیر گزاره‌های جدی و اثرگذار دیگری نیز است که بر اثر تلاش‌های برخی کارگزاران، تصادف‌های تاریخی یا نقاط عطف تاریخی شکل گرفته‌اند. وقایع پیش‌بینی نشده در تعیین مسیر تحول یک کشور نقش مهمی داشته‌اند. در انجام تغییرهای نهادی در ایران نقش عوامل یا حوادث طبیعی مانند سیل، زلزله، قحطی و پاندمی‌ها نیز زیاد بوده است. یا به گفته یکی از نویسندگان خوش‌ذوق، تنظیمات ایرانی برخلاف رویکرد رایج تاریخ‌نویسی که آن را در قالب آزادی‌خواهی، مشروطه‌خواهی، دموکراسی‌خواهی در یک سو یا خیرخواهی، بلوغ اندیشه و آگاهی‌تئوریزه می‌کند. محصول فروپاشی نظم پیشین و در نتیجه دو امر واقعی و درهم‌کوبنده، اما فراموش‌شده به نام وبا و قحطی است که اثر آن بر تاریخ معاصر ایران عمیق‌تر از انقلاب‌های اجتماعی و آثار فکری است (حیدری و بهار ۱۳۹۷: ۱۴۳).

در ایران وقایع طبیعی در تغییرهای سیاسی نقش داشته‌اند، اما از آنجا که تحلیلگران علوم سیاسی بیشتر در پی ریشه‌یابی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای پدیده‌های سیاسی‌اند، خواسته یا ناخواسته به این حوادث توجه نکرده‌اند. البته در برخی نظریه‌های کلان علوم اجتماعی و تطبیق آن با ایران به برخی پدیده‌های طبیعی مانند بی‌آبی و خشکی اقلیم در نظریه‌هایی مانند استبداد شرقی و فرهنگ سیاسی توجه شده است. اما در مجموع، نظریه‌های ارائه‌شده درباره ایران فاقد توجه به عوامل و حوادث طبیعی و عوامل ناشناخته و تصادفی است. در حالی که این نقاط عطف در زمان و در لحظه هستند. با اتفاق آنها در یک لحظه، مسیر تاریخ یک جامعه عوض می‌شود. یا تحول عمده‌ای که از قبل زمینه‌های آن فراهم شده است، در شرف وقوع قرار می‌گیرد. در دوره ناصری وبا و قحطی سبب تأسیس نهادهای جدید و تغییرها در ساختار دولت شد. پیش از مشروطه ورود پاندمی وبا به ایران و قحطی پس از آن در فروپاشی حکومت در ذهن مردم و ناکارآمدی آن نقش اساسی داشت. ناکارآمدی دولت در برابر پاندمی سال ۱۲۹۷ش و همزمان شدن آن با اشغال ایران و بی‌ثباتی سیاسی به ظهور نیروی جدید در ایران منجر شد که پیامد آن تغییر نظام سیاسی و تجدیدآمرانه پهلوی بود. یا قحطی و پاندمی که در سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۴ ایران را فرا گرفت، نقش عمده‌ای در تلاش رژیم برای تنظیم‌های جدید ذیل انقلاب سفید داشت. وبای آلتور و گسترش بیش‌ازحد آن در سال ۱۳۴۴

در خوزستان، نقش مهمی در راه‌اندازی طرح فاضلاب اهواز داشت (آرشیو اسناد ریاست جمهوری، سند ش ۵۲/۲۹۳ و ۵۲/۲۷۲).

بر این اساس می‌توان بحران کرونا را نقطه عطفی در تاریخ ایران تلقی کرد که در حد آنتروپی محیطی می‌تواند سیستم را مجبور به تغییرهایی در خود و تطبیق با شرایط جدید کند و در صورت بی‌توجهی ترومایی شود که پیامدهای بسیار عمیق‌تری برای ایران داشته باشد. به نظر می‌آید به‌جز پیامد پاندمی ۱۲۹۷ش که به‌خاطر آشفتگی در دولت و شکاف بین نخبگان و همزمانی آن با اشغال ایران و جنگ جهانی اول که تغییر در سیستم سیاسی و ظهور نیروی سیاسی جدیدی را در ایران در پی داشت، بیشتر پاندمی‌ها از نخستین آن در سال ۱۲۰۰ش تا آخرین آن در دهه چهل شمسی نوعی آنتروپی محیطی ایجاد کرده که به ضرورت در سیستم‌های سیاسی، پاسخ‌هایی از نوع تأسیس نهادهای جدید و اصلاحات گسترده و دگردیسی‌های فقهی و فکری داشته است. اگرچه برخی نویسندگان از نوعی حکومت‌مندی^۱ موردنظر فوکو نیز برای قحطی سال ۱۲۸۸ق (۱۸۷۸) و پاندمی وبا و طاعون پس از آن در زمان میرزا حسین خان سپهسالار یاد کرده‌اند (حیدری و بهار ۱۳۹۱: ۱۳۴).

کرونا نیز در ایران می‌تواند مانند طاعون سیاه در اروپا عمل کند و در عین حال شاهد هریک از سه پاسخ به آن باشیم؛ ترومایی شود که از نظم نمادین موجود قطب‌زدایی کند؛ نظم‌های فانتزی را از بین ببرد؛ موجب قدسی‌زدایی از نظم موجود و از بین رفتن مرجعیت‌های فعلی شود؛ خلأیی ایجاد کند که ایرانیان را با یک انتخاب مهم مواجه سازد. در عین حال در این حالت ترومایی، نظم قدیم می‌تواند فانتزی جدیدی پیدا کند و خودش را ادامه دهد و گسستی ایجاد نکند. یا نه نظم جدیدی ایجاد کند و نه نظم قدیم استمرار یابد و وارد تعلیق شویم. به نظر می‌رسد کرونا در ایران آشوبی محیطی است که باید سیستم آن را به‌زودی کنترل کند، اما این آشوب مانند طاعون سیاه می‌تواند به تروما تبدیل شود یا شرایط اواخر دهه ۱۲۹۰ش را در ایران تکرار کند. مهم‌ترین عامل در تروما شدن آن را باید در همایندی یا همزمانی این بحران با دیگر بحران‌ها جست. در اپیدمی دهه ۱۳۴۰سیستم از تجانس ساختاری برخوردار بود و با یکدست کردن ساختار، تجدد آمرانه‌ای را آغاز کرده بود که در کنار همکاری‌های بین‌المللی، موفقیت‌های چشمگیری را در کنترل اپیدمی وبای آلتور کسب کرد. اما در پاندمی اواخر دهه ۱۲۹۰ش بحران اقتدار در نظام سیاسی و همزمانی آن با اشغال ایران و پیامدهای جنگ جهانی اول سبب فروپاشی تدریجی نظام سیاسی و ظهور نیروی جدیدی در ساختار قدرت ایران شد. آنچه شرایط امروز را متفاوت می‌نمایاند، همزمانی پاندمی

1. Governmentality

کرونا با بحران کارآمدی سیستم سیاسی و فشارهای شدید بین‌المللی بر ایران در قالب تحریم‌های هوشمند است. اثر مستقیم تحریم‌ها در این حوزه اخلاقی در انتقال دارو و دستگاه‌های تنفسی به ایران و آثار غیرمستقیم آن در کساد کامل یا ورشکستگی کسب‌وکارها به سبب طولانی شدن این بحران و نوسانات شدید در شاخص‌های اقتصادی است. در عین حال در همین زمان، ایران انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم در پیش دارد و ممکن است در مرحله گذار از یک رهبر به رهبر دیگر باشد که در هر دو به ثبات سیاسی در درون کشور برای انتقال مسالمت‌آمیز قدرت نیاز دارند.

به سبب اضطراب موجود در جامعه، آشفتگی اقتصادی و تحریک بیگانگان و درگیری‌های ساختاری در درون قدرت ممکن است پاندمی کرونا نقش کاتالیزور را به سوی مرحله جدید سیاسی و اقتصادی در ایران بازی کند. پاندمی‌های تاریخ ایران نشان از شکل‌گیری اراده سیاسی در ایران برای تغییرات ساختاری در دوره ناصری، حضور نیروی جدید سیاسی در ایران تحت تجدد آمرانه با کودتای اسفند ۱۲۹۹ رضاخان پهلوی، تأسیس سپاه بهداشت و نوسازی‌های گسترده دهه ۱۳۴۰ داشته است. اکنون مردم منتظر تصمیم‌های اساسی و شکل‌گیری اراده سیاسی برای خروج از بن‌بست تصمیم‌گیری در ساختار سیاسی ایران هستند و پاندمی کرونا و پیامدهای آن این انتظار را تشدید کرده است. سابقه تاریخی پاندمی‌ها در ایران و جهان نیز نشان می‌دهد که برای برون‌رفت از آنها و حتی در صورت کنترل بیماری در فردای پس از آن، به تصمیمات جدیدی برای تغییر در درون سیستم نیاز است تا مردم فضای جدیدی را حس کنند.

۳.۱. اپیدمی‌ها در ایران معاصر

در گذشته ایران بیماری‌های واگیردار همچون مالاریا، وبا و آبله به‌حدی فراگیر بودند که بسیاری از ایرانیان از این بیماری‌ها می‌مردند. فراگیری مالاریا طوری بود که بیشتر ایالات ایران درگیر این بیماری بودند؛ مسئله‌ای که موجب می‌شد جمعیت ایران همواره دچار نقصان باشد (فلور، ۱۳۸۶: ۱۰). هما ناطق بیماری‌های عفونی از جمله وبا را از امراض بومی ایران در دوره قاجار معرفی می‌کند (ناطق، ۱۳۵۶: ۳۰). در مجموع، دوازده اپیدمی بیماری‌های عفونی و پانزده قحطی بزرگ در تاریخ دو‌یست‌ساله اخیر ایران می‌توان ردیابی کرد که برخی از این قحطی‌ها توأم با بیماری‌های عفونی و بعضی بعد از بیماری‌های عفونی و تعدادی پیامد آن گسترش بیماری‌های عفونی بوده است. هر کدام از آنها پیامدهای سیاسی و امنیتی داشته و به تغییر نگاه دولتمردان و اصلاحاتی منجر شده‌اند. بنا به گزارش فلور در سال‌های ۱۸۲۰ (۱۱۹۵ش/ ۱۲۳۵ق) تا ۱۹۰۵ (۱۲۸۳ش/ ۱۳۲۲ق) هفت اپیدمی عمده وبا شناخته شدند (فلور، ۱۳۸۷: ۱۵).

نخستین اپیدمی در سال ۱۸۲۱: ورود وبا به کشور از خلیج فارس و کشیده شدن آن به شیراز و اصفهان به مدت دو سال؛

دومین اپیدمی ۱۸۲۹: منشأ وبا در هند و ورود به ایران از مرز افغانستان؛

سومین اپیدمی ۱۸۴۷-۱۸۴۵ (مرگ ده درصد جمعیت تهران ۱۲۰۰۰ نفر)؛

چهارمین اپیدمی ۱۸۵۳-۱۸۵۱ (مرگ پانزده تا شانزده هزار نفر در تهران)؛

پنجمین اپیدمی ۱۸۶۹-۱۸۶۸ (مرگ پنج هزار نفر در شیراز)؛

ششمین اپیدمی ۱۸۹۰-۱۸۸۹ (ورود از خلیج فارس به ایران و انتقال آن به اروپا و مرگ دو هزار نفر در شوشتر)؛

هفتمین اپیدمی: از ۱۹۰۳ تا ۱۹۰۵ قبل از انقلاب مشروطه.

دیگر اپیدمی‌های تاریخ ایران به شرح ذیل بوده‌اند:

هشتمین اپیدمی: وبا و طاعون در سال ۱۹۱۸ / ۱۲۹۷ش از پیامدهای جنگ جهانی اول، اشغال ایران و ورود از طریق نیروهای انگلیسی و هندی در بوشهر و شیراز؛

نهمین اپیدمی: وبای ۱۳۱۶ش (۱۹۳۷) در سیستان در دوره رضاشاه. چون مرگ‌ومیر زیاد داشت، منطقه قرنطینه شد؛

دهمین اپیدمی: ۱۳۲۲ (۱۹۴۳) تیفوس اسپانیایی از پیامدهای اشغال ایران در جنگ جهانی دوم؛

یازدهمین اپیدمی: ۱۳۴۴ (۱۹۶۵) وبای آلتور که ایران یکی از بهترین مدیریت‌ها را در مواجهه با این بیماری عفونی به معرض نمایش گذاشت؛

دوازدهمین اپیدمی: ۱۴۰۰ - ۱۳۹۸ (۲۰۲۱-۲۰۱۹) کرونا کووید ۱۹: در همه استان‌های کشور فراگیر شده است.

دوازده اپیدمی بیماری‌های عفونی در ایران (قرن ۱۹ و ۲۰ و ۲۱)



بیش از نیم قرن بود که ایرانیان با نهادسازی در حوزه بهداشت با بیماری‌های فراگیر مواجه نشده بودند. آخرین آن در دهه چهل شمسی بود که ایران به بهترین شکل آن را مدیریت کرد. پس از نیم قرن، ایران از نخستین کشورهایی بود که در معرض ورود پاندمی کرونا قرار گرفت. بیماری کرونا که به سرعت همه‌گیر شد، از چین به دیگر مناطق جهان سرایت کرد. ورود آن به ایران به طور رسمی در ۲۹ بهمن ۱۳۹۸ با مرگ یک نفر در شهر قم اعلام شد. اگرچه برخی معتقدند این بیماری از دی‌ماه وارد ایران شده بود، اما عدم تشخیص آن به سبب ناشناخته بودن بیماری و تلقی آن به عنوان آنفلوآنزای نوع سخت سبب تأخیر در اعلام ورود آن شد. برخی نیز دلایل سیاسی و برگزاری حتمی انتخابات مجلس یازدهم در اول اسفند ۱۳۹۸ توسط حاکمیت را علت تأخیر در اعلام آن می‌دانند. ورود آن، هراس زیادی را در بین ایرانیان افکند و آماده نبودن کادر درمان، تجهیزات درمانی ناکافی، همزمانی با تحریم‌های گسترده غرب علیه ایران و بلوکه کردن دارایی‌های ایران و ناهماهنگی‌های ساختاری حاکمیت، سبب گسترش اولیه آن در ایران شد. لیکن دولت پس از دو ماه تا حدودی آن را کنترل کرد و تعداد مبتلایان را از نزدیک به چهار هزار نفر در روزهای اولیه به کمتر از هزار نفر و تعداد مرگ‌ومیر را از نزدیک به دویست و پنجاه نفر به کمتر از پنجاه نفر در هر روز رساند.

در ماه‌های بعد دولت به سبب نگرانی از بحران اقتصادی ناشی از کسادی کسب‌وکارها و فشارهای اجتماعی، محدودیت‌ها را کاهش داد که به شروع موج دوم و بازگشت به همان وضعیت در موج اول انجامید. با کنترل این موج در مرداد و شهریور ۱۳۹۹ دوباره به سبب اجتماعات محرم و بازگشایی مدارس و رعایت نکردن اصول بهداشتی شاهد شروع موج سوم با مرگ‌ومیری بیشتر از موج نخست در آبان‌ماه و آذر ۱۳۹۹ بودیم. این بیماری تاکنون (اسفند ۱۳۹۹) طبق آمار دولتی، بیش از یک میلیون و هفتصد هزار مبتلا و بیش از شصت و یک هزار کشته در طول یکسال ما به جا گذاشته است. هنوز چشم‌اندازی برای پایان آن وجود ندارد. این بحران پیامدهای اقتصادی و اجتماعی جدی برای ایران داشته است. در حوزه اقتصادی همزمانی این بحران با فشارهای حداکثری و تحریم‌های همه‌جانبه، رشد اقتصادی ایران را به منفی ۵ درصد در نیمه نخست ۱۳۹۹ رسانده است. کاهش ۳۵ درصدی حجم صادرات ایران، کاهش شدید ارزش پول ملی و ورشکستگی برخی اصناف و کارخانه‌ها به بحران بیکاری گسترده در ایران منجر شده است. البته باید در این میان به جنگ اقتصادی غرب با ایران و اختلال در ارسال دارو حتی با وجود این بحران نیز اشاره داشت. با وجود این ایران توانسته مدیریت حداقلی در کنترل این بیماری داشته باشد، اما همزمانی آن با فشارهای بین‌المللی و عدم تجانس ساختاری حاکمیت، بدترین بحران اقتصادی را برای ایران در چند دهه اخیر رقم زده است. در زیر برخی از فرصت‌ها و تهدیدهای سیاسی و امنیتی که حاصل مقایسه بحران کرونا با یازده اپیدمی دیگر تاریخ ایران است، بررسی می‌شود.

۳.۲. فرصت‌های سیاسی

در زیر برخی از این فرصت‌ها با استناد به وقایع پربار سیاسی-تاریخی ایران بیان می‌شود.

۳.۲.۱. بهداشت‌باوری و آثار سیاسی آن

از فرصت‌های بحران کرونا آن است که مردم به مرور به بهداشت باورمند می‌شوند و در نتیجه مسئولیت شهروندی را بهتر انجام می‌دهند. سلامت به‌عنوان نیاز ویژه، پیش‌نیاز عملکرد هر فرد به‌عنوان یک شهروند قلمداد می‌شود و فقدان آن رفاه و آرامش افراد را به هم می‌ریزد، بلکه آزادی فرد را از وی سلب می‌کند و امکان انجام مسئولیت‌ها و تعهدهای وی را به‌عنوان یک فرد از او می‌گیرد (Anand, Peter & Sen, 2011:43). بدون سلامت، نمی‌توان شهروند قدرتمندی بود که مسئولیت زندگی خود را بر عهده دارد و برای بهبود زندگی دیگران نیز تلاش می‌کند (Goldfield, 2008:279). بی‌تردید در فردای کرونا، بهداشت اهمیت بیشتری نزد مردم تا امروز و دیروز کرونا خواهد داشت.

بهداشت‌مندی فقط در حوزه فردی نخواهد بود، بلکه به حوزه نهادی و اجتماعی نیز سرایت می‌کند. بررسی پاندمی‌ها در ایران نشان می‌دهد بهداشت و تنظیف شهر در ایران ایده پساوبایی بوده است. توجه ویروس‌شناختی به آب آلوده، بازنگری فرهنگ شست‌وشو و دگرگونی حریم خصوصی و خانوادگی را به‌همراه آورد. با غیربهداشتی شناختن معیارهای کمی آب کر و آب جاری، به‌تدریج نهادهایی برای تصفیه و پالایش آب از میکروب‌های بیماری‌زا و کشنده به‌وجود آمد. در جریان این روند بهداشت‌مندی زندگی روزمره، لوله و آب جایگزین چاه، انبار، چرخ، دلو، بشکه، مشک، کوزه، سطل و تشت آب شد (توکلی طریقی، ۱۳۷۸: ۴۳). تأسیس سپاه بهداشت در ایران به‌عنوان یکی از برنامه‌های انقلاب سفید در روستاها ایده‌ای برای پیشگیری از بیماری‌های واگیردار بود. این نهاد در گسترش بهداشت و بهداشت‌مندی در روستاها نقش اساسی داشت. کرونا نیز خود سبب تأسیس نهادهای جدید بهداشتی (مقررات، بخشنامه‌ها و سازمان‌ها) خواهد شد. نهادهای خاصی که دولت‌ها بر اثر تجربه، در ایران تأسیس خواهند کرد. همچنان‌که مفاهیم جدیدی مانند فاصله‌گذاری اجتماعی، فاصله‌گذاری هوشمند و قرنطینه خانگی و ضدعفونی شهری به ادبیات بهداشتی ایرانیان وارد کرده است.

۳.۳. آمادگی ذهنی جامعه و نخبگان برای نوگرایی

هرگونه نوسازی و آغاز مرحله جدیدی از تحول نیاز به فراهم ساختن شرایط به‌ویژه ذهنیت‌ها دارد. پاندمی‌ها فرصتی برای تغییرند. از پیامد این بلاها، عوض شدن ذهنیت جامعه به‌سبب مواجهه با مصیبت‌های جمعی است. ذهنیت‌ها در این بلاها عوض می‌شود یا این آمادگی را پیدا می‌کند تا سیاست‌های جدید اعمال و نهادهای جدید تأسیس شود. حتی ذهنیت نخبگان نیز در معرض تغییر قرار می‌گیرد. از پس این پاندمی‌ها بود که حکومت قاجار مجبور می‌شود نوسازی‌های خود را آغاز کند. بلدیة و نظمیة و صحیة و بهداری و بعدها وزارت بهداری و بهداشت، نهادهای پساپاندمی در ایران بودند. مردم نیز که در برابر نهادهای جدید به‌ویژه کنترل بر بدن در ایران در ابتدا مقاومت می‌کنند، با دیدن تأثیر خانمان‌سوز پاندمی‌ها، برای تغییر آماده می‌شوند.

حکومت برای پاسخگویی به تقاضاهای مردم، باید خود را برای نوسازی‌های در حوزه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آماده کند. بنابراین از امروز برای دوران پساکرونایی برنامه‌های مختلفی داشته باشند تا مردم حضور دولت را در تأمین نواقص و جبران گذشته احساس کنند. ضعف دولت در برخورد با این پاندمی‌ها بحران اقتدار را برای حکومت‌ها رقم می‌زند. این زمان، بهترین موقع برای جراحی‌های اقتصادی و سیاسی در درون حکومت‌ها و

بازسازی آنها نیز است؛ جراحی‌های نهادی که در زمان‌های عادی مقاومت‌های زیادی در بین نخبگان و جامعه ایجاد می‌کند.

به‌طور کلی مسیر نوگرایی در ایران با تحول در پزشکی و بهداشت عمومی آغاز شد؛ مسیری که نگاه جامعه را به بسیاری از امور تغییر داد. نکته‌ای که در ایران قبل از انقلاب مشروطه تا حدودی مورد توجه سلطنت قاجار قرار گرفت و بهداشت عمومی برای رهایی از بیماری‌های مرگ‌آور سراسری، همچون طاعون و وبا در دستور کار قرار گرفت و به گسترش و بهسازی عرصه عمومی و حفظ‌الصحه عمومی انجامید. برای پیشگیری از اشاعه بیماری‌های واگیردار با ایجاد قرنطینه در مرزهای کشور و صدور تذکره حفظ‌الصحتی که نخستین جلوه گذرنامه بود، عبور و مرور در مرزها را تحدید کردند. دخالت حکومت در این‌گونه امور از سویی به گسترش و نهادینگی دولت و پیدایش بلدییه و فراگیری رفتار و آداب مدنی و از سوی دیگر، به پیدایش دولت فضول انجامید که برای پیشبرد منافع عامه در بسیاری از امور زندگی مردم دخالت می‌کرد. این دخالت‌های نامتعارف که دولتی خرد را به دولتی فربه و متمرکز تبدیل کرد، به بحران حاکمیت منجر شد. این بحران که در آستانه مشروطیت به اوج رسیده بود، زمینه دگردیسی حکمفرمایی را به حکمرانی که بر حاکمیت مردم استوار بود، فراهم ساخت؛ در واقع تبدیل حکمفرمایی به حکمرانی بود (توکلی طریقی، ۱۳۷۸: ۴۱).

بحران کرونا در ایران امروز نیز فرصتی برای رفتن به سمت حکمرانی مطلوب است. این بحران که همزمان با پایان درآمدهای نفتی که موتور محرکه دولت رانتیر و بوروکراسی غارتگر در ایران است، فرصتی برای تغییرهای ساختاری است. عدم تجانس ساختاری در برخورد با این بحران به‌خوبی هویدا است. دولت از تصمیم‌های اساسی مانند قرنطینه کامل یا عدم برگزاری برخی اجتماعات به‌سبب فشارهای دیگر نهادهای حاکمیتی ناتوان است. دولت حتی از اجباری کردن ماسک و برقراری جریمه برای آن، که امری عادی در کشورهای دارای سیستم اداری و سیاسی قوی است، عاجز مانده است. کنشگران تاریخ پایه ایران باید با اتخاذ سیاست نوین، ایران را از این بحران‌های ساختاری در سیاست و اقتصاد خارج کنند.

۳.۴. همخوانی دین و دانش و بهسازی فقهی

بحران‌هایی مانند کرونا می‌تواند سبب به‌روز شدن نهاد مرجعیت و فقاقت شود. فقه در مقابل مسائل ملموس به پویایی و به‌روز شدن نیاز دارد؛ باید بتواند برای این مسائل راهکار دهد، وگرنه به‌شدت دچار آسیب می‌شود. پاندمی‌ها از یک زاویه، فرصتی برای نوسازی اصول فقهی و همخوانی دین و دانش است. مواجهه فقه در برابر کرونا و پس از کرونا بسیار مهم است. در واقع پاندمی‌ها فرصتی برای فقه و فقیهان است تا به بازسازی و بهسازی فقهی در درون جامعه

و تطبیق آن با مقتضیات زمان دست بزنند؛ چون مناسک و مکان‌های مذهبی و زیارتی نخستین مکان‌های جمعی در معرض این پاندمی‌ها هستند.

در دوره قاجار تلاش دولت برای پاکیزگی محیط شهری و تأمین بهداشت عمومی با کوشش مجتهدان برای پیروی عامه از احکام طهارت و نجاست هماهنگ بود. همان‌گونه‌که دولت به پاکسازی حریم عمومی و ترویج آداب مدنی می‌پرداخت، مجتهدان نیز با آموزش احکام طهارت و نجاست که بخش مهم توضیح‌المسائل‌ها و رساله‌های عملیه بود، بر ضرورت تطهیر بیکر عباد اصرار ورزیدند (توکلی طرقي، ۱۳۷۸: ۴۳). در زمانه‌ای که بیماری‌های واگیردار به خطری عمومی در ایران تبدیل شده بود، مبحث نجاست و طهارت در رسائل عملیه که برگرفته از معیارهای علمی پیش از کشف باکتری و میکروب‌های آبی بود، دیگر نمی‌توانست پاسخ‌های روزآمدی برای مشکلات بهداشتی ارائه کند (توکلی طرقي، ۱۳۷۸: ۴۵).

به‌نظر می‌رسد در بین اپیدمی‌های رایج در تاریخ ایران، کرونا بیشترین تأثیر را بر مکان‌ها و مناسک مذهبی به‌عنوان جلوگاه‌های فقه داشته است. سابقه تعطیلی حرم امام رضا (ع) و حضرت معصومه (س) و تعطیلی حج به‌عنوان واجب شرعی، نماز جماعت و وعظ و خطابه‌ها ... در هیچ اپیدمی‌ای مسبوق به سابقه نیست (درویش، ۱۳۹۹: ۱۵). این کنش و واکنش‌ها مستلزم نگاهی جدید به فقه و بازسازی برخی احکام آن است؛ فرصتی که در این بحران‌ها پیش می‌آید و امکان بازانديشي در سایر بن‌بست‌های سیاسی و اقتصادی را فراهم می‌سازد.

۵. ۳. احساس وحدت و همبستگی ملی

در شرایط بحران، زمینه‌های همبستگی ملی بین مردم ایران افزایش می‌یابد. جامعه ایرانی در شادی فردگرا و در مصیبت‌ها جمع‌گراست. برخلاف جامعه غربی، ذهن انسان ایرانی، ذهن سوگ است، چون همیشه با بلا و مصیبت همراه بوده است. در عین حال جامعه ایرانی به‌سبب ذهنیت خاص خود در سوگ بیشتر همدیگر را می‌یابند تا سوگ. از این جمع‌گرایی باید به‌عنوان فرصت استفاده کرد. پاندمی‌ها فرصتی برای وحدت ملی و پل زدن بر شکاف‌ها و اختلاف‌ها بوده است. همبستگی و غرور ملی را می‌توان از طریق قهرمانان ارزشی، ملی و ورزشی و هنری تحریک کرد. آنها در این بحران کم‌فروغ‌اند. علت آن شاید رقابت آنها با حاکمیت در زلزله کرمانشاه و محدودیت‌های پس از آن باشد. در آن بحران مردم از حکومت در رسیدگی به بحران جلوتر بودند. به‌نظر می‌رسد در بحران کرونا آنها در خود فرو رفته‌اند. می‌توان از نفوذ آنها در افکار عمومی برای رعایت بهداشت و کمک به مردم بهره جست. این همبستگی برای تصمیم‌های مهم در تاریخ پایه ایران نیاز است. برخی از این پاندمی‌ها ایران را برای گذار مهم آماده کرده است. قحطی و اپیدمی بزرگ ابتدای دهه چهل، ایران را برای انجام تغییرهای مهم

آماده کرد. رژیم برای انجام این تغییر، برنامه‌های انقلاب سفید را اجرا کرد و جامعه نیز با مشارکت از طریق همه‌پرسی بر این تغییرها صحنه گذاشت. در ایران امروز همه از تغییر صحبت می‌کنند؛ از نخبگان تا مردم در پی تغییر شرایط موجودند. کرونا احساس این تغییرها و همبستگی موجود در جامعه برای آن را به ضرورت تبدیل کرده است.^۱

۳.۶. افزایش مشارکتهای جمعی و نهادینه شدن آن

هیچ‌چیز بهتر از احساس مشارکت برای یک ملت یا یک فرد به‌ویژه جوانان در حوزه عمومی نیست. این احساس به آنها مفید بودن، ارضای مسئولیت اجتماعی و باارزش بودن برای جامعه می‌دهد. این ویژگی در ایران با توجه به سابقه کمک به هم‌نوع و حتی غریبه‌ها در قالب نهادهایی مانند لوطیان، عیاران و فتیان پرفروغ بوده است، اما چون اجازه نهادسازی یا نهادینه شدن آنها توسط حکومت‌ها با نگاه به آنها به‌عنوان رقیب نهادهای حکومتی داده نشده است، به حاشیه رفته‌اند. شوخ‌طبعی و کمک به هم‌نوع دو کاراکتر معروف ایرانیان از نگاه سفرنامه نویسان خارجی است. احساس همبستگی در بحران‌ها و مشارکت همه در حل آن را نیز می‌توان اضافه کرد. این امر به نهادینه‌سازی جامعه مدنی کمک می‌کند و سمن‌های بومی متناسب با فرهنگ ایرانی و اسلامی را پرورش می‌دهد و موجب تحول نحوه اعمال قدرت حاکمیت و استفاده از ظرفیت‌های مردمی و محلی می‌شود (خلیلی، ۱۳۹۹: ۵۳)؛ حل بحران‌های جامعه را نیز سریع‌تر و بدون بار هزینه‌ای بر دولت ممکن می‌کند. اکنون زمانی است که می‌توانیم معیارهای متفاوت خود را برای تعاون اجتماعی و پیوند میان دولت و ملت صورت‌بندی و امید به آینده را دگرگون کنیم. هم حکومت و هم مردم باید آمادگی اصلاح کنشگری خود را داشته باشند. تجربه عیاری نشان می‌دهد جامعه ایران همکاری با نهادهای غیردولتی را برای تدبیر امور عمومی خویش بیشتر می‌پسندد. حکومت می‌تواند با روزآمد ساختن الگوهای تمدنی، تدبیر بحران موجود را به عقل جمعی اجتماعی و تجربه تاریخی آن بسپارد (علوی‌پور، ۱۳۹۹: ۱۰۷-۱۰۴).

دولت باید ظرفیت مشارکت مردم و نهادهای مردم‌نهاد را در برون‌رفت از این بحران‌ها بالا ببرد. بعد از جنگ تحمیلی با همیاری دولت و ملت فلج اطفال ریشه‌کن شد (ر.ک: قاراخانی، ۱۳۹۲). اوج این همبستگی بعد از جنگ تحمیلی در زلزله بم خود را نشان داد. مشارکت و همبستگی

۱. در سطح سیستم، تغییر را با گزاره‌هایی مانند تغییر در ساختار نظام از رژیم جمهوری به پارلمانی، یا ارائه گام دوم انقلاب توسط رهبر معظم انقلاب و نگاهی نو به تحولات کشور و در سطح برخی نخبگان با گزاره مدیران انقلابی و انقلابی‌گری یا نیاز به نیروی سیاسی جدید و در سطح جامعه با بحران‌هایی مانند سال ۱۳۸۸، دی‌ماه ۱۳۹۶ و آبان‌ماه ۱۳۹۸ و ... می‌توان حس کرد.

مردم ایران در این بحران‌ها، به نهادینه شدن آن در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد نیاز دارد تا از بی‌سامانی و آشفتگی بیرون آید. ضرورت تغییر نگاه نخبگان سیاسی به آنها نیز سخت احساس می‌شود. دیرزمانی است که نگاهی بدبینانه به آنها در بخشی از حاکمیت شکل گرفته است و به آنها اجازه مشارکت یا سامان‌دهی به‌ویژه در زمان‌های بحرانی که کشور به آنها نیاز دارد، داده نمی‌شود. این امر حکومت را مستقیم با بحران مواجه می‌کند و چون به‌تنهایی امکان حل بحران را ندارد، موجب ناامیدی مردم می‌شود. توجه به سمن‌های ریشه‌دار در جامعه و اجازه فعالیت می‌تواند از تصمیمات مهم ایران پساکروناوی باشد؛ مسیر نهادی ایران برای توسعه از این می‌گذرد. سابقه نهادی ایران برای مشارکت در حل معضلات ملی قوی است. این نقطه عطف با بحران کرونا دوباره فراهم شده است، بنابراین باید در این برهه از این فرصت بهره برد.

۳.۷. تهدیدهای سیاسی و امنیتی

بحران‌های پاندمی به‌عنوان نقاط عطف در ایجاد برهه‌های سرنوشت‌ساز علاوه بر ایجاد فرصت‌ها، در صورت سراسیمگی در برابر آن می‌تواند شرایط حکمرانی بدتری از قبل بر یک جامعه تحمیل کند. نباید چنین استنباط کرد که هر برهه سرنوشت‌ساز به تغییرهای موفق می‌انجامد و در راستای بهبود کشور عمل می‌کند. در بالا دو واکنش تمدنی به این بحران‌ها منفی بود. پاندمی‌ها می‌توانند سبب واگرایی در یک کشور شوند یا آن را در شرایط تعلیق نگه‌دارند. تاکنون پاسخ‌ها به رویداد کرونا متفاوت بوده است؛ عناصر مؤثر در پاسخ موفقیت‌آمیز به این پاندمی در ظرفیت دولت، اعتماد اجتماعی و رهبری است. کشورهایی با این سه مؤلفه- دستگاه دولتی کارآمد، دولتی که شهروندانش به آن گوش دهند و اعتماد کنند و رهبران کارآمد، به‌نحو مؤثری عمل کرده و خسارت‌ها را به حداقل رسانده‌اند. کشورهایی با دولت‌های ناکارآمد، جوامع قطبی‌شده و رهبری ضعیف بد عمل کرده‌اند؛ شهروندانشان را رها و اقتصادشان را آسیب‌پذیر و بی‌حفاظ کرده‌اند (Fukuyama, 2020: 1). برخی پیامدهای منفی این بحران‌ها را می‌توان با بررسی اپیدمی‌های تاریخی ایران، در ابعاد سیاسی و امنیتی دسته‌بندی کرد.

۳.۷.۱. ابعاد سیاسی

حوادث طبیعی و بیماری‌های مسری، پیامدهای سیاسی برای جامعه دارند؛ حکمرانی را از مسیر طبیعی خود خارج می‌کنند و نیروی انسانی را که مهم‌ترین عامل در ارائه خدمات است، هدف قرار می‌دهند. حفظ جان انسان، حکومت‌ها را بر آن می‌دارد محدودیت‌های جدی ایجاد کنند. تصمیماتی که حکومت‌ها در شرایط اضطرار اتخاذ می‌کنند، آزادی شهروندان را محدود

می‌کند (آزادی جابه‌جایی، آزادی خرید، آزادی کسب‌وکار و ...) و طبیعی است که شهروندان این محدودیت‌ها را برتابند. دولت‌ها مجبورند نیرو و بودجه خود را بیشتر صرف مهار این بیماری کنند، از این‌رو از سایر وظایف قانونی می‌مانند. عدم تأمین دیگر نیازها، اقتدار دولت‌ها را زیر سؤال می‌برد؛ این امر به ایجاد نارضایتی در جامعه و بحران مشروعیت برای سیستم سیاسی منجر می‌شود.

در زمان بحران‌های اپیدمیک، توانایی استخراجی یا استحصال دولت‌ها به شدت محدود می‌شود. به علت تداخل حوزه‌های مختلف اقتصادی، محدودیت در جایی مشکلات در جای دیگر ایجاد می‌کند. در این زمان به علت محدودیت‌های اقتصادی منابع مالی دولت‌ها ضربه می‌خورد؛ مهم‌ترین منبع درآمدی دولت که مالیات‌ها هستند، وصول نمی‌شود و دولت‌ها در تأمین مالی دچار مشکل می‌شوند و بیکاری و رکود کشور را فرا می‌گیرد. بحران‌های مزبور بیشترین تأثیر را بر طبقات فرودست دارند. این طبقات سیاست را خیابانی می‌کنند. استفاده گروه‌های سیاسی از اپوزیسیون تا براندازان از ضعف حکومت در حل بحران، به بی‌ثباتی سیاسی یا جابه‌جایی قدرت در یک کشور منجر می‌شود. زلزله سال ۱۳۵۷ طبرس در برانگیختن احساسات عمومی بر ضد حکومت پهلوی نقش عمده‌ای داشت.

طولانی شدن یک بحران که منافع و سلامت همه مردم را نشانه می‌رود، در صورت مهیا بودن زمینه‌های اصلی، امکان جابه‌جایی قدرت، ایجاد بحران سیاسی و حتی انقلاب‌ها را نیز فراهم می‌کند. در ایران اپیدمی وبای سال ۱۲۸۳ش و قحطسالی سال بعد آن بیشترین ضربه را بر ساختار حکومت قاجار وارد کرد و به انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ منجر شد. یا وبای گسترده سال ۱۳۴۴ که پس از خشکسالی سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۱ ایجاد شد، در اجبار رژیم به انجام اصلاحات گسترده با عنوان انقلاب سفید مؤثر بود.

ناامیدی دیگر پیامد ملموس این بلاها و امراض اپیدمیک است. ناامیدی از ساختار سیاسی در حل این معضل، پیامدهای سیاسی دارد و موجب انفعال و بی‌تفاوتی یا برعکس شورش در جامعه می‌شود. در وبای سال^۱ ۱۳۰۹ق بعد از قحطسالی بزرگ در ایران، ناصرالدین‌شاه به‌عنوان پادشاه مقتدر نتوانست قد علم کند. جامعه امیدش را از دست داد و در نهایت منجر به قتلش در سال ۱۳۱۳ق شد. حکومت‌های وقت در سرایت، گسترش و عواقب و با مسئولیت مستقیم داشتند؛ با پنهان‌کاری و فریبکاری مردم را در میان مهلکه تنها می‌گذاشتند و از بیم مسدود شدن راه‌ها، خبر ناخوشی را به سایر ممالک هم اعلام نمی‌کردند و با برقرار ساختن

۱. این وبا در سال ۱۳۰۹ق از بادکوبه آغاز شد و روسیه را فرا گرفت و در سال ۱۳۱۰ق به تهران رسید. همگان گواهی می‌دهند که این وبا چیز دیگری بود و مردم هرگز چنین کشتاری ندیده بودند (ناطق، ۱۳۵۶: ۳۷)

قرنطینه که نیازمند گردآوری آذوقه و غلات و هزینه‌های گوناگون بود، مخالفت می‌ورزیدند (ناطق، ۱۳۵۶: ۴۴).

روابط دولت-ملت و حاکمیت-جامعه در جمهوری اسلامی نیز به‌ویژه در سال‌های پس از جنگ بر چهار نظام استوار بوده است: ۱. نظام اجتماعی-فرهنگی، ۲. نظام متن-حاشیه، ۳. نظام عمومی-خصوصی و ۴. نظام معرفت‌شناسی دینی-علمی. به‌نظر می‌رسد شیوع ویروس کرونا و شبه‌قرنطینه چندماهه، تکانه شدیدی در جهت تشدید گسست در این چهار نظام است. در حال حاضر گسل مجازی-رنال محل اصلی انباشت گسست‌های چهارگانه هستند. به‌عبارت دیگر فضای مجازی به محل تجمع نیروهای گریز از مرکزی تبدیل شده است که به‌سبب بحران در نظام‌های چهارگانه و تکانه‌های کروناپی از ساختار رسمی مرکزی گسسته است (بادامچی، ۱۳۹۹: ۱۵۶-۱۵۵).

۲. ۷. ۳. ابعاد امنیتی

از زاویه دیگر نیز این حوادث امنیت جامعه را نشانه می‌رود. ایجاد ترس و هراس در جامعه از سرایت این بیماری و تمام شدن مایحتاج عمومی، سبب امنیتی‌سازی فضای اجتماعی می‌شود. ترس و اضطراب موجب رفتارهای هیجانی از طرف شهروندان می‌شود و هرچه این بیماری طولانی‌تر شود، این روند بدتر می‌شود. افزایش جرائم خرد از دیگر ابعاد امنیتی این بحران‌هاست. در این مقاطع جرائمی مانند سرقت، زورگیری و دیگر آسیب‌های اجتماعی به‌شدت افزایش می‌یابد.

تصمیم‌های حکومتی کسب‌وکارهای را محدود می‌کند. بر بخش خدمات که بیشتر شهروندان عادی رزق روزمره خود را از آنجا تأمین می‌کنند، بیشترین محدودیت تحمیل می‌شود و طبیعی است که این امر نارضایتی گسترده ایجاد کند. شورش بیکاران از ابعاد امنیتی این بیماری‌هاست. آنها که حداقل درآمد خود را از دست داده‌اند، دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند. در تاریخ ایران حوادثی مانند «بلوای نان» (رحمانیان و میرکیایی، ۱۳۹۶) در این مقاطع رخ داده و برخی دولت‌ها را برانداخته است. بلوای نان ۱۳۲۱ که با آشوب‌های خیابانی وسیع همراه بود، سبب براندازی دولت قوام‌السلطنه شد.

نضج قدرت‌های خارج از مرکز یا حرکت‌های گریز از مرکز از دیگر ابعاد امنیتی این بحران‌هاست. آنها با نقد حکومت و برجسته‌سازی ضعف‌های آن به‌ویژه در عدم مدیریت بحران، خود دست به کار شده و بدیلی برای حکومت می‌شوند. اوج حرکت‌های گریز از مرکز در این در دهه ۱۲۹۰ش به‌ویژه در اواخر آن پس از ورود پاندمی تیفوس ۱۲۹۷ش اتفاق افتاد. در این مقطع به‌سبب بی‌عملی دولت و نبود نظم سیستمی در ایران، هر کسی در گوشه و کنار کشور

علم استقلال برافراشته بود. بعد از تیفوس گسترده ناشی از جنگ جهانی دوم نیز در ایران در سال ۱۳۲۲ بحران آذربایجان و کردستان به وجود آمد. این امر در استقبال بخشی از روستائیان آذربایجان از فرقه دموکرات آذربایجان به رهبری پیشه‌وری نقش داشت؛ فرقه‌ای که با حمایت از شوروی در سال ۱۳۲۴ سعی در جدایی آذربایجان و کردستان از ایران داشت.

مهم‌ترین بعد امنیتی، بروز فاجعه تمدنی (تروما) به سبب بی‌تصمیمی نظام سیاسی و شکنندگی ساختاری در برابر این بحران‌هاست. همان‌طور که گفته شد، در برابر اپیدمی‌ها به‌عنوان یک تروما (یک وضعیت دیگربودگی مطلق ناشناخته) جوامع برای صورت‌بندی اجتماعی خود سه واکنش و پاسخ متفاوت از خود نشان دادند. واکنش تجدیدنظرطلبانه در مفردات تمدنی خود در اروپای غربی، واکنش متصلبانه به مفردات تاریخ پایه خود در اروپای شرقی و واکنش منفعلانه و بی‌عملگی و در نهایت فروپاشی، سه تجربه بشری در برابر موقعیت‌های مغاک‌گونه بود. اتخاذ هر واکنش به فهم ماهیت مفردات تمدنی، موقعیت‌های زمانه، تصادف‌های زمانه، رهبران کارکشته و عوامل نهادی موجود در صورت‌بندی‌های اجتماعی یک جامعه وابسته است. بدترین واکنش، سراسیمگی و بی‌تصمیمی در برابر این موقعیت‌های مغاک‌گونه است.

عجم اوغلو نیز در یادداشتی ضمن تأکید بر پاندمی کرونا به‌عنوان بزرگ‌ترین تراژدی در هفتادوپنج سال اخیر بعد از جنگ جهانی دوم، یکی از چهار سناریوهای قابل پیش‌بینی را بی‌عملی در برابر آن یعنی پذیرش قطبی شدن جامعه و فروپاشی اعتماد عمومی می‌داند. او این مسیر را بسیار محتمل می‌داند، اگر رهبران عمق موضوع را درنیابند و نتوانند خود را سازمان‌دهی کنند. وی معتقد است چنین حالتی، می‌تواند دولت بزرگ‌تر و قدرتمندتری را به ارث بگذارد که قابلیت‌های لازم برای مواجهه با مسائل فراگیر اجتماعی را ندارد. در نتیجه، نارضایتی بیشتر و شکاف بین قدرت و ظرفیت آن برای رفع نیازهای مردم بیشتر می‌شود؛ خلاصه‌جملی در سیاست‌های دموکراتیک ایجاد می‌شود و از دل چنین وضعیتی ممکن است یک ملی‌گرایی پوپولیستی یا حتی چیزی بدتر از آن سر برآورد (Acemoglu, 2020).^۱

این همان امکان تبدیل بحران به تروما در ایران است. بی‌عملی در برابر این اپیدمی‌ها یا بحران‌های حاد در تاریخ ایران را در دو مقطع می‌توان ردیابی کرد؛ اول بار در دوره پادشاهی فتحعلی‌شاه و زمامداری ایل قاجار در برخورد با غرب و جنگ‌های ایران و روس، ایل قاجار

۱. عجم اوغلو اخیراً در یادداشتی در نشریه Project Syndicate با عنوان «دولت پساکوویدی» چهار سناریو را بعد از پاندمی کرونا محتمل دانسته است که هر کدام پیامدهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی متفاوتی دارد: دولت ملی‌گرای پوپولیستی، دولت هابزی اقتدارگرا، بردگی دیجیتال و بازسازی دولت رفاه که آخری را بهترین مسیر برای دستیابی به ظرفیت واقعی دولت، دموکراسی و آزادی می‌داند.

سیاست بی‌عملگی را در مقابل آنتروپی‌های محیطی اتخاذ کرد که تا زمان قدرت گرفتن دستگاه ولایتعهدی عباس میرزا ادامه یافت. مقطع دوم بعد از شکست مشروطه دوم و بسته شدن مجلس با اولتیماتوم تزار روسیه بار دیگر قدرت از نوادگان عباس میرزا به ایل قاجار منتقل شد و در زمان نایب‌السلطنه‌ای ناصرالملک بار دیگر سیاست بی‌عملی در برابر پیچیدگی‌های آنتروپی محیطی اتخاذ شد. در این دور دوم ریاست ایل قاجار، اقتدار دولت مرکزی فروپاشید و سبب هرج و مرج سیاسی و گسترش آنفلوآنزای اسپانیایی در ایران و مرگ‌ومیر صدها هزار نفر بر اثر قحطی بزرگ شد؛ بی‌عملی که به فروپاشی حکومت قاجار و تهدید تمدنی و چهل تکه شدن ایران منجر شد. اگر نیرویی از درون ایران برنخاسته بود، این فاجعه حتمی بود. از بین رفتن مرجعیت‌ها در جامعه، کاهش شدید در طبقه متوسط یا از بین رفتن خودآگاهی در بین آنها، گسترش خشم و نفرت در جامعه و طولانی شدن این پاندمی و همزمانی آن با فشارهای بین‌المللی می‌تواند به مرحله سوم تروما یا فاجعه در تاریخ فعلی ایران تبدیل شود. در حال حاضر کرونا یک آنتروپی محیطی است که با پیچیدگی سیستمی باید آن را کنترل کرد، اما این آشوب مانند طاعون سیاه ممکن است به تروما تبدیل شود. در برابر آنتروپی‌های محیطی باید سیستمی وجود داشته باشد تا به تروما تبدیل نشود.



۴. نتیجه‌گیری

نقطه عزیمت این مقاله بررسی آثار پاندمی کرونا بر حوزه سیاست در ایران بود. سیاست در خط اول مواجهه با پاندمی‌هاست. از این رو، نخستین و بیشترین تأثیر پاندمی‌ها بر سیاست خواهد بود. تأثیر وقایع طبیعی مانند سیل و زلزله و حوادث غیرمترقبه بر سیاست، کمتر مورد توجه اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی بوده است. در نتیجه به آثار بیماری‌ها و اپیدمی‌های فراگیر به مراتب کمتر توجه شده است. در ایران این معضل به علت فراگیر نشدن موضوع‌های بین‌رشته‌ای و جزیره‌ای عمل کردن محققان و یکنواختی ذهن‌ها و تسلط کلان روایت‌ها بیشتر به چشم می‌خورد. در حالی که در تاریخ دوست‌ساله اخیر پاندمی‌ها و ورود آنها به ایران، رابطه پاندمی‌ها و سیاست رابطه خاصی بوده است. برخی از آنها نقطه عطفی در تغییر ساختار حکومت، مؤثر در ایجاد نهادهای جدید، شروع تنظیمات یا اصلاحات جدی در ایران و تبدیل حکمفرمایی به حکمرانی یا از زاویه دیگر ایجاد بحران‌های سیاسی و حتی انقلاب‌ها در ایران بوده‌اند. انقلاب مشروطه و انقلاب سفید که شبه‌انقلابی از لحاظ اجرای برنامه‌های جدید در ایران بودند پس از برخی از این پاندمی‌ها به وقوع پیوستند.

برخورد هر کشوری با این پاندمی‌ها به مفردات تمدنی آن، تعامل بین برهه‌های سرنوشت ساز، گذر نهادی، موقعیت منطقه‌ای و جهانی هر کشور و تصادف‌ها و عوامل پیش‌بینی‌ناپذیر وابسته است. سه پاسخ متفاوتی که سه منطقه جغرافیایی به پاندمی طاعون سیاه دادند، بروز واکنش‌های بسیار متفاوت در برابر اقتضائات این نقطه عطف بود. برای گذر نهادی در یک کشور مسیر محتومی وجود ندارد، باید منتظر بزنگاه‌های تاریخی بود. در ایران نیز برخورد با این پاندمی‌ها بسته به شرایط مذکور بوده است. تنظیمات میرزا حسین‌خان سپهسالار پاسخ عمده‌ای به وبای سال ۱۲۸۸ق بود. این پاندمی‌ها در سال ۱۲۸۳ش نیز در ایران رواج یافتند و در آشفته‌گی منجر به انقلاب مشروطه نقش داشتند. تیغوس ۱۲۹۷ش و مرگ‌ومیر زیاد ایرانیان در رفتن جامعه به سمت نظریه استبداد منور و ظهور رضاخان و تغییر خاندان حکومتگر نقش اساسی داشت. این پاندمی‌ها آنتروپی محیطی ایجاد و کشور را آماده گذر نهادی می‌کنند. بنابراین، در کنار فرصت‌ها ممکن است به فاجعه‌هایی نیز برای نظام سیاسی و جامعه ختم شوند که در این نوشتار از اصطلاح تروما برای آن استفاده شد. اینکه این بحران ترومای تمدنی ایران است یا نه، به برخورد و توانمندی سیستم در برابر آن و انجام تغییرهای نهادی مهم از قبل آن بستگی دارد. شواهد تاریخی در ایران نشان از روش‌های مختلف نظام‌های سیاسی در برخورد با پاندمی‌ها دارد؛ مانند شکل‌گیری اراده تغییر در درون حکومت (عصر ناصری) یا ظهور نیرویی متفاوت از درون ساختار سیاسی (تأسیس دولت پهلوی) یا اقدام به تجدد آمرانه در دهه ۱۳۴۰.

کرونا می‌تواند با به‌هم پیوستن چند عامل، توازن موجود در قدرت سیاسی و اقتصادی را به هم بزند. اختلاف‌های نهادی موجود در ایران، همزمانی این بحران با دیگر بحران‌های اقتصادی، فشار حداکثری نظام بین‌الملل و اختلاف شدید بین نخبگان سیاسی و دوران گذار از یک رهبر تاریخی به رهبری دیگر ممکن است سبب بروز واکنش‌های بسیار متفاوت در برابر اقتضائات این نقطه عطف تاریخی شود و به‌جای گذر نهادی سبب تعلیق در شرایط موجود یا بدتر ورود به یک فاجعه شود. در ایران شرایط برای یک بزنگاه تاریخی فراهم شده است، بنابراین باید باتدبیر از این شرایط عبور کرد. سه تجربه متفاوت در برابر پاندمی‌های تاریخ جهان در اختیار ماست. کشورها می‌توانند نقاط عطف تاریخی را مغتنم بشمرند و در تعیین دقیق توسعه نهادی گام بردارند و در راستای اصلاح نهادهایشان با آغاز مسیری جدید به سوی بهروزی اقتصادی و سیاسی، بیشتر قالب‌های موجود را بشکنند یا در صورت بی‌توجهی دو مسیر دیگر پاندمی‌ها را تجربه کنند. در آینده بهتر می‌توان به این پرسش‌ها پاسخ داد که آیا بحران پاندمی کرونا به گذار نهادی مانند گذر ژنتیکی در ایران منجر خواهد شد؟ آیا تاریخ ایران به نقطه عطف خود یا بزنگاه تاریخی خود می‌رسد؟ کرونا می‌تواند به عنوان واقعه پیش‌بینی‌ناپذیر در تعیین مسیر دقیق توسعه نهادی مهم باشد؟ یا فرصتی برای تجدیدنظر در ساختار بنیادین حاکم بر صورت‌بندی اجتماعی موجود در تاریخ پایه‌ای ایران باشد؟ دولت پساکوویدی در ایران چگونه خواهد بود؟

۴.۱. راهبردهای عملی و اقدام‌های پیشنهادی

- تبدیل حکمفرمایی به حکمرانی در ساختار حاکمیت با حفظ اقتدار حکومت و به‌منظور تجانس ساختاری بیشتر و کارآمدی آن، به‌نظر می‌رسد ساختار حاکمیت در زمان بحران دارای ضعف اقتدار است.

- آمادگی کامل و اراده لازم برای تغییرات در ساختار قدرت، قبل از آنکه این تغییرها بر ساختار قدرت تحمیل شود.

- تأکید بر فقه پویا به‌جای فقه سنتی به‌منظور همخوانی دین و دانش در ایران به‌ویژه برای نسل جوان و خروج از برخی بن‌بست‌های فرهنگی و ارائه برنامه برای این منظور در فضاهای مجازی.

- انجام جراحی‌های اساسی در برنامه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی به‌خاطر فراهم شدن و پذیرش و آمادگی تغییر توسط جامعه پس از پاندمی‌ها. حاکمیت برای بحران کارگری در ایران باید برنامه‌های منسجم و زودبازده‌ای ارائه کند.

- تأکید بر همبستگی و وحدت ملی بیشتر در درون جامعه که در زمان بحران دچار انفعال و شکنندگی می‌شوند و رصد هرگونه حرکت‌های واگرایانه که در زمان بحران‌های پاندمیک و پس از آن افزایش می‌یابد.
- افزایش مشارکت مردم‌نهاد در قالب تشکل‌ها و سمن‌ها برای حل بحران و برنامه‌های پس از بحران به جای حضور مستقیم دولت یا نهادهای شبه‌دولتی. توجه به سمن‌های ریشه‌دار در جامعه و اجازه فعالیت می‌تواند از تصمیمات مهم ایران پسا‌کرونا بی‌باشد. سابقه نهادی دینی و ملی ایران برای مشارکت در حل معضلات کشوری قوی است و باید آنها در فضای مجازی نیز خود را فعال و شفاف کنند.
- تعامل با اقتصاد جهانی برای ایجاد فضاهای جدید سیاسی و اقتصادی در کشور.
- کاهش بار اضافی حاکمیت در مواجهه هم‌زمان با چندین بحران جهانی و منطقه‌ای و داخلی برای ایجاد فضای تنفس و کارآمدی در داخل.
- افزایش حوزه اختیارات مدیران محلی و بازگشت مدیران ملی به حوزه نظارتی برای مدیریت بهتر بحران‌ها.
- آمادگی برای ثبات سیاسی کامل و فراهم کردن زمینه‌های مشارکت بالا در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ش به‌عنوان اولین انتخابات قرن پانزدهم شمسی از طریق امکان‌گردش اساسی در نخبگان سیاسی با رویکردی جدید. ایران باید به قرن پانزدهم شمسی سلام جدیدی دهد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. آرشیو اسناد ریاست جمهوری. (بی‌تا) پایگاه نخست‌وزیری، سند شماره ۵۲/۲۹۳.
۲. آرشیو اسناد ریاست جمهوری. (بی‌تا) پایگاه نخست‌وزیری، سند شماره ۵۲/۲۷۲.
۳. برک، پیتر. (۱۳۹۵) «مکتب آنال، فرناند برودل و جامعه‌شناسی تاریخی»، ترجمه جعفر مراد حاصلی، خردنامه، شماره ۱۷.
۴. بادامچی، محمدحسین. (۱۳۹۹) «کرونا و فضای مجازی»، مجموعه مقالات جمهوری اسلامی ایران و مسئله کرونا. تهران: دانشگاه صنعتی شریف، صص ۱۵۷-۱۲۸.
۵. پژوهشکده اندیشه مهاجر. (اردیبهشت ۱۳۹۹) مجموعه مقالات جمهوری اسلامی ایران و مسئله کرونا. تهران: دانشگاه صنعتی شریف.
۶. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. (فروردین ۱۳۹۹) جستارهایی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی بحران ویروس کرونا در ایران. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۷. توکلی طرقي، محمد. (۱۳۸۷) «تجدد روزمره و آمپول تدین»، ایران نامه، سال ۲۴، شماره نخست سایت بنیاد مطالعات ایران. (Foundation for Iranian Studies, <http://fis-iran.org/en>, 07/13/2009)
۸. حیدری، آرش. (۱۳۹۷) «تنظیمات ایرانی؛ حکومت‌مندی و برآمدن دولت مدرن در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، سال ۱۹، صص ۱۴۸-۱۲۶.

۹. خلیلی، مهدی. (۱۳۹۹) «قدرت و کرونا»، مجموعه مقالات جمهوری اسلامی ایران و مسئله کرونا. تهران: پژوهشکده اندیشه مهاجر، دانشگاه صنعتی شریف، صص ۵۷-۳۷.
۱۰. دانشکده حقوق و علوم سیاسی. (۱۳۹۹) «ابعاد حقوقی، سیاسی و امنیتی بحران کرونا در جهان و ایران»، مجموعه یادداشت‌های اساتید و دانشجویان دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شیراز: دانشگاه شیراز.
۱۱. درویش، جواد. (۱۳۹۹) «اپیدمی کرونا و تغییر باورهای دینی»، مجموعه مقالات جمهوری اسلامی ایران و مسئله کرونا. تهران: پژوهشکده اندیشه مهاجر، دانشگاه صنعتی شریف، صص ۳۶-۱۱.
۱۲. دیاموند، جرد. (۱۳۹۴) *اسلحه، میکروب و فولاد*، ترجمه حسن مرتضوی. تهران: بازتاب نگار.
۱۳. رحمانیان، داریوش؛ مهدی میرکبابی. (۱۳۹۶) «تأثیر گرانی و فحطی نان بر روابط خارجی ایران در عصر ناصری»، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، سال ۵۳، ش ۳۳، صص ۱۴۲-۱۲۷.
۱۴. سیدامامی، کاووس. (۱۳۸۶) *پژوهش در علوم سیاسی*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم و دانشگاه امام صادق (ع).
۱۵. عجم اوغلو، دارون؛ جیمز ای. رابینسون. (۱۳۹۴) *چرا ملت‌ها شکست می‌خورند*، ترجمه محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی‌پور. تهران: روزنه.
۱۶. علوی‌پور، سید محسن. (۱۳۹۹) «در مواجهه شکست و پیروزی در کار نیست»، مجموعه مقالات علوم انسانی و کرونا، تهیه و تدوین سید محسن علوی‌پور و حوریه احدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، صص ۱۰۷-۱۰۴.
۱۷. فلور، ویلم (۱۳۸۶) *سلامت مردم در ایران قاجار*، ترجمه ایرج نبی‌پور، بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی بوشهر.
۱۸. قاراخانی، معصومه. (۱۳۹۲) «دولت و سیاست سلامت در ایران (۱۳۸۸-۱۳۶۰)»، فصلنامه علوم اجتماعی، تابستان، دوره ۲۰، ش ۶۱، صص ۲۵۴-۲۱۱.
۱۹. ناطق، هما. (۱۳۵۶) «تأثیر اجتماعی و اقتصادی بیماری وبا در دوره قاجار»، فصلنامه تاریخ (ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران)، ج ۱، ش ۲، صص ۶۲-۳۰.
۲۰. نودزی، حسینعلی. (۱۳۹۲) *فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری*. تهران: طرح نو.
۲۱. ولی، عباس. (۱۳۸۰) *ایران پیشاسرمایه‌داری: تاریخ نظری*، ترجمه حسن شمس آوری. تهران: مرکز.

ب) خارجی

22. Abbassi, Ebrahim. (2020) "Macro-Narrative and Development in Iran: Critique and Study of Political Culture Approach," *Geopolitics Quarterly* 15, 4: 182-295.
23. Acemoglu, Daron. (2020, June 5). "The Post COVID State," *Project Syndicate*. Available at: <https://www.project-syndicate.org/onpoint/four-possible-trajectories-after-covid19-daron-acemoglu-2020-06?barrier=accesspaylog/>.
24. Afkhami, Amir A. (1988) "Disease and Water Supply: The Case of Cholera in 19th Century Iran," *Yale School of Forestry & Environmental Studies Bulletin* 103: 206-220.
25. Anand, Sudhir; Peter Fabienne; and Amartya Sen. (2004) *Public Health, Ethics, and Equity*. Oxford: Oxford University Press.
26. Birklan, Thomas A. (1998). "Focusing Events, Mobilization and Agenda Setting," *Journal of Public Policy* 18, 1: 53-74.
27. Burrell, R. M. (1988) "The Epidemic of Cholera in Persia: Some Aspects of Qajar Society," *Bulletin of the SOAS, University of London* 51, 2: 258-270.
28. Floor, Willem. (2004) *Public Health in Qajar Iran*. Washington, DC: Mage Publishes.
29. Fukuyama, Francis. (2000, July/August) "The Pandemic and Political Order: It Takes State," *Foreign Affairs* 99, 4. Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/world/2020-06-09/pandemic-and-political-order/>.
30. Glasser, Sofia. (2020) *The Corona Pandemic- A Focusing Event for Insufficient Governmental Action on Climate Change Mitigation?* A BA Thesis in Development Studies, Department of Political Studies, Uppsala University, Sweden.
31. Goldfield, Norbert. (2008) "Healing across the Divides: American Medical Peacebuilding in the Middle East," Arya, Neil; Joanna Santa Barbara, eds. *Peace through*

-
- Health: How Health Professionals Can Work for a Less Violent World.* Boulder, CO: Kumarian Press.
32. Harding, Jan. (2005). "Rethinking Great Divide: Long-term Structural History and the Temporality of Event," *Norwegian Archaeological Review* 38, 2: 88-101.
 33. Hernandez, Rayna. (2005) "Social Trauma: The Pathogenic Effects of Untoward Social Conditions," *International Forum of Psychoanalysis* 15, 3: 151-156.
 34. Kashani-Sabet, Firoozeh. (2000, October) "Hallmarks of Humanism: Hygiene and Love of Homeland in Qajar Iran," *American Historical Review* 105, 4: 1171-1203.
 35. Kingdon, John W. (1995) *Agenda, Alternatives and Public Policies*. Boston, MA: Addison-Wesley Educational Publishers, 2nd edition.
 36. MacNeil, William H. (1976) *Plagues and Peoples*. New York: Garden City.
 37. World Health Organization (WHO). (2020, October 12) "Coronavirus Disease (COVID-19)," *WHO Q&A Hub*. Available at: <https://www.who.int/emergencies/diseases/novel-coronavirus-2019/question-and-answers-hub/q-a-detail/coronavirus-disease-covid-19/>.